

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۴

تأملی در نمکدان حقیقت شفایی اصفهانی از منظر سبک‌شناسی  
و مقایسه‌ای کوتاه با حدیقه سنائی  
(ص ۱۰۵-۹۱)

محمدحسن همایون مقدم<sup>۱</sup>، علی تسنیمی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۵

### چکیده

شفایی اصفهانی از شاعران سدهٔ دهم و یازدهم هجری است، منظومه‌ای دارد به نام نمکدان حقیقت که ابیات آن بالغ بر ۳۱۸۰ بیت است. نسخه‌های خطی معدودی از این مثنوی موجود است و تاکنون تصحیح نشده است. این اثر منظوم عرفانی نظیره‌ای است بر حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی. شفایی در این منظومه ضمن پایبندی به سنن ادب فارسی و پیروی از بزرگان شعر قدیم، نیم‌نگاهی نیز به طرز و سبک جدید داشته و در تصویر سازیهای خود از موتیفهای سبک هندی بهره برده است. بیان اندیشه‌های کلامی شیعه، تضاد با فلسفه، نقد صوفی و صوفیگری، بهره‌گیری گسترده از تشبیهات و ترکیبات زیبا، استفاده از برخی کاربردهای کهن واژگانی و بهره‌گیری از صنعت تجنیس را میتوان از ویژگیهای بارز شعر شفایی دانست. با توجه به طبیب بودن شاعر، تصویر سازی با اصطلاحات و مضامین مربوط به طب قدیم نیز در شعر او پر بسامد است

**کلمات کلیدی:** شفایی اصفهانی، نمکدان حقیقت، حدیقه الحقیقه، سبک‌شناسی، منظومهٔ عرفانی.

---

۱- m.homayoon@hsu.ac.ir

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

۲- a.tasnimi@hsu.ac.ir

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری

**۱- مقدمه**

شاه عباس اول، دومین نایب‌الدولت صفوی بود که دوران پادشاهی او در طی نزدیک به نیم قرن، یکی از طلایی‌ترین دوران حکومت خاندان صفوی را تشکیل می‌دهد. سرکوب سرکشان داخلی و مهاجمان خارجی، گسترش مذهب تشیع، بزرگداشت عالمان دینی، تشویق هنرمندان و... از جمله فعالیت‌های سیاسی فرهنگی بود که در طی دورهٔ چهل و چند سالهٔ خود به یادگار گذاشت. وی که از هوش و استعداد بی‌نظیری برخوردار بود تا حدودی با اصول ادب و فنون شعر آشنا بود و به علت معاشرت با شعرا و ادبا گاه‌گاه اشعاری میسرود و به دیدهٔ احترام به شعرا مینگریست و گاهی آنها را ندیم خود قرار میداد. از جملهٔ این شاعران رکن‌الدین مسعود کاشانی معروف به حکیم رکناست که مسیح تخلص داشت و یک بار شاه عباس در شهر کاشان سه روز مهمان او شد (زندگی شاه عباس اول، فلسفی، ج ۲، ص ۲۹). از دیگر شاعرانی که مورد توجه و عنایت شاه عباس بودند میتوان از مولانا رعنایی، زلالی خوانساری، نظام‌الدین احمد قزوینی، غفور گیلانی و بسیاری دیگر نام برد (همان: ۴۴). شفاعی اصفهانی از جمله حکما و شاعرانی است که به سبب ذوق سرشار در شعر و شاعری بسیار مورد توجه شاه عباس بود و از ندیمان خاص محسوب می‌شد. آن‌گونه که «روزی در محلهٔ نیم آورد به شاه عباس ماضی برخورد و شاه اراده نمود که از مرکب به زیر آمده حکیم مانع شد، شفقت بسیار به حکیم نموده و روانه شدند، جمیع امرا جهت مراعات حکیم پیاده شدند تا حکیم گذشت» (تذکرهٔ نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲۱۱).

این شخصیت علمی و ادبی با همهٔ شهرتی که در زمان حیات کسب کرده بود، متأسفانه چندان شناخته شده نیست و در میان اهل ادب ناآشنا و گمنام بازمانده است، از این رو در این مقاله سعی شده است یکی از آثار وی به نام نمکدان حقیقت معرفی و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

**۲- ضرورت و پیشینهٔ تحقیق**

اگرچه دیوان شفاعی به همت لطفعلی بنان در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است، اما مثنویهای وی به ویژه نمکدان حقیقت تاکنون به صورت نسخهٔ خطی باقی مانده و چاپ نشده و تحقیق مستقلی پیرامون این اثر انجام نشده است. سعید شفیعیون نیز در مقالهٔ «جایگاه شفاعی در سبک هندی» با تکیه به نسخه‌های خطی آثار شفاعی را بررسی کرده‌اند.

**۳- نسخه‌شناسی نمکدان حقیقت**

نمکدان حقیقت برای اولین بار در سال ۱۳۱۸ شمسی براساس نسخه‌ای ناقص توسط انتشارات «کتابخانهٔ جهان‌نمای شیراز» با عنوان غلط کارنامهٔ بلخ به چاپ رسیده است، اما نسخ خطی موجود این اثر متأسفانه بسیار اندک است و برای به سامان رساندن این گفتار تنها سه نسخه در دسترس داشتیم:

۱-۳- نسخه متعلق به کتابخانه ملی تبریز به شماره (۳۶۱۳) که از کتب اهدایی حاج محمدآقا نخبجوانی است و علاوه بر نمکدان حقیقت غزلیات، قصاید و ترجیعات شفایی را نیز در بر دارد. این نسخه اگرچه افتادگی دارد و تاریخ تحریر و کاتب آن مشخص نیست، اما کاملتر از دیگر نسخه‌هاست و شامل ۳۱۸۶ بیت میباشد.

۲-۳- نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۳۴۴: این نسخه با خط خوش نستعلیق و در ۳۶ برگ نوشته شده و هر صفحه دارای ۱۵ سطر میباشد و در مجموع شامل ۱۰۰۰ بیت است. کاتب آن محمدعلی حسینی کازرونی و در سال ۱۲۵۰ هجری قمری کتابت شده است.

۳-۳- نسخه سوم متعلق به کتابخانه مرکزی ملک است به شماره ۴۶۹۷/۱ که کاتب آن عبدالجبار است و تاریخ کتابت ندارد. دارای ۱۴۴ برگ ۱۷ سطری است و در مجموع حدود ۲۵۰۰ بیت را ثبت کرده است.

#### ۴- زندگینامه

شفایی اصفهانی از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازده هجری است. خاندان وی اهل فضل و دانش بودند، پدرش از شاگردان میرقیاس‌الدین منصور دشتکی شیرازی بود که در طب و طبابت دستی داشته است (ر.ک: مهدوی، ۱۳۸۸: ۲۷۵). شرف‌الدین، طب و علوم مقدماتی را نزد پدر و برادر خود فرا گرفت. رضافلی‌خان هدایت او را جامع تمامی کمالات صوری و معنوی میداند و شهرت او را در شیوه شاعری و حکمت و دانش علمی و عملی میستاید (ر.ک: تذکره ریاض‌العارفین: ۳۷۵). شفایی اگرچه در دوره صفویه و رواج سبک هندی میزیسته و شعرش نیز از ویژگیهای سبک هندی برخوردار است، اما از زیاده‌رویهای رایج در آن عصر دوری میجسته و زبانش استوار و محکم و عاری از سهل‌انگاریهای غیرقابل قبول دیگر شاعران هم‌عصر خود است، لذا شعر او را از نظر فصاحت و بلاغت نسبتاً سلیس و ساده و در حقیقت ادامه شیوه باباغانی و محتشم دانسته‌اند (ر.ک: ذکاتوی قراگزلو: ۲۸۹).

حکیم شفایی در اوج اقتدار صفویه با بزرگان علمی و فرهنگی زمان خود حشر و نشر داشته و گاهی با ایشان مناظره‌هایی نیز میکرده از جمله ایشان محتشم کاشانی است که نصرآبادی داستان ملاقات ایشان را گزارش کرده است (تذکره الشعرا: ۲۱۱). تقی‌الدین اوحدی نیز از معاصران وی است که از ابتدا تا انتها هم صحبت و هم‌مشق شفایی بوده و گاهی نیز رابطه خصمانه‌ای داشته‌اند، با این حال اوحدی او را از مشهورترین شاعران عصر خود میداند که در کثرت هجویات ممتاز بوده و بیش از ۱۵۰ غزل سروده است (ر.ک: عرفات‌العاشقین، اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲۲۳۹).

صائب تبریزی نیز از معاصران شفایی بوده که در رثا و فقدان وی سروده است:

در اصفهان که به درد سخن رسد صائب کنون که نبض شناس سخن شفایی نیست

(صائب، ۱۳۶۵: ۸۹۶/۲)

## ۵- آثار

شفایی دیوان شعری دارد شامل بیش از دوازده هزار بیت که در سال ۱۳۶۵ به همت لطفعلی بنان چاپ شده است، علاوه بر این، مجموعه‌ای با عنوان هزلیات و مطایبات دارد که دو هزار بیت را شامل می‌شود و در قالب قصیده و رباعی و ترکیب‌بند و مثنوی سروده شده است.

وی اگر چه در بیشتر قالبهای شعر فارسی طبع‌آزمایی کرده، اما هنر اصلی او در سرودن مثنویهای عرفانی است و سخن سنجان وی را از مثنوی سرایان موفق دوره صفوی دانسته‌اند (ر.ک: تذکره نتایج‌الافکار، ۱۳۸۷: ۳۷۳). مثنویهای باقی مانده از وی عبارتند از:

۱- مثنوی مجمع‌البحرین به پیروی از تحفه‌العراقین خاقانی؛

۲- مثنوی مهر و محبت به تقلید از خسرو و شیرین نظامی؛

۳- مثنوی دیده‌بیدار به پیروی از مخزن‌الاسرار نظامی؛

۴- مثنوی نمکدان حقیقت.

## ۶- مقایسه ساختاری و محتوایی نمکدان حقیقت با حدیقه الحقیقه

نظیره‌گویی در قرن نهم و دهم هجری از رواج ویژه‌ای برخوردار بوده است، خمسه‌های متعددی به تقلید از پنج گنج نظامی سروده شده است؛ اما نظیره‌گویی و تقلید از حدیقه‌الحقیقه‌ی سنایی (نظیره به معنای دقیق آن یعنی تقلید در موضوع و محتوا و وزن و بحر و قالب) کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر باشد. شفایی نمکدان حقیقت را به تقلید از این اثر سنایی سروده است، سراینده در بخشی با اشاره مستقیم به حدیقه‌سنایی تاثیر پذیریش را آشکارا بیان میکند:

چون گذشتند خسروان کهن	به سنایی رسید ملک سخن ۶۴۶
چون ز مدح ملوک وا پرداخت	طرح حزم حدیقه‌ای پرداخت ۶۶۴
خوانی آراست از نعم لبریز	که درو بود جز نمک همه چیز ۶۷۹
منم از معدن سخندانی	وقف کردم درو نمکدانی ۶۸۲

این تاثیر پذیری در ساختار و شاکله کلی اثر نیز نمایان است، تعداد ابیات منظمه بیش از سه هزار بیت است و شاعر سعی داشته نمونه کوچکی از حدیقه بسراید، اگر چه با همه این ویژگیها و زیباییها نمیتوان آن را نظیره موفقی بر حدیقه نامید، اما از جهت استحکام وزن و اشعار زیبا و پر مغز جایگاه ویژه‌ای دارد. تفاوت عمده اثر شفایی با سروده سنایی، متوجه مذهب و دیدگاه کلامی آنهاست، از آنجا که شفایی در دوره صفویه میزیسته، یعنی دوره ظهور علما و مفسران و محدثان بزرگ شیعی و متکلمانی چون میرمحمدباقر داماد و ملاصدرای شیرازی، به مقتضای شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه، مضامین و موضوعاتی که در این اثر بیان شده بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های کلامی و عرفانی شیعه است. در ادامه برخی از شباهتها و تفاوتهای دو متن را بررسی میکنیم:

### ۱-۶- عقاید کلامی و مذهبی

شفایی همچون سنایی سخن خود را با حمد و سپاس باری تعالی شروع کرده و با ذکر چند عنوان، بدون رعایت فصل بندی مشخص به تنزیه و تقدیس ذات الهی پرداخته است، اما در این مجموعه ابیات که شماره آن به پانصد میرسد، دو نکته مهم کلامی رؤیت و چیستی کلامی الهی راه که مورد توجه سنایی نیز بوده، مطرح کرده است، آنچه را شفایی در خصوص رؤیت بیان داشته تصریح بر آن است که خداوند با چشم سر قابل دیدن نیست:

ارنی گوی باش همچو کلیم      لیک ناری ز لن ترانی بیم ۳۰۶  
به تماشا مباش ز حمت سر      حلقه‌سان جمله چشم شو بر در ۳۳۹  
سنایی نیز همین معنا را، اگر چه از منظومه فکری اشاعره به دور است (ر.ک: افقهای شعر و اندیشه سنایی، زرقانی، ۱۳۷۸: ۲۱)، با تاکید بیان داشته:

ای که در بند صورت و نقشی      بستۀ استوی علی العرشی  
صورت از محدثات خالی نیست      در خور عز لایزالی نیست  
(حدیقه ۶۵)

اما شفایی در مورد کلام الهی دیدگاهش مخالف اندیشه اشعریه و سنایی است، او ضمن به نقد کشیدن این تفکر، آشکارا تمایلش را به معتزله بیان میدارد:

در کلام خدای نیست شکی      اندرین شک نکرده جز یککی ۴۲۴  
لیک هر کس به قدر فطرت خویش      آزموده است زور و حکمت خویش ۴۲۵  
اشعری بر خلاف معتزلی      کرده بازوی بحث جدلی ۴۲۶  
گفت باشد کلام حق نفسی      شده قایم به ذاتش این معنی ۴۲۷  
این روش را خرد کند انکار      زان که باشد مفاسدش بسیار ۴۳۴  
آنچه دلخواه اهل حال بود      مذهب اهل اعتزال بود ۴۳۵

یکی دیگر از مواضع اختلاف، مدح خلفای و جانشینان پیامبر اسلام (ص) است که در حدیقه مفصل به آن پرداخته شده، در حالی که شفایی پس از نعت حضرت رسالت پناه، بلافاصله ابیاتی را در منقبت حضرت علی (ع) سروده و در طی ابیات متوالی تلمیحات و اشارات مهم زندگی آن حضرت را به تصویر کشیده است:

بعد احمد حمد آنکه ولی است      ثالث خالق و رسول علی است ۵۳۹  
حجت شأن آن ولی الله      بیشمار است تو نبی آگاه ۵۹۷  
زان یکی انما ولیکم است      دیگری واقعه غدیر خم است ۵۹۸  
از سلونی حدیث چون گفתי      گرد جهل از جهانیان رفتی ۶۱۱

## ۲-۶- عشق از منظر دو سراینده

توصیف شفایی از عشق، توصیف نشانه‌ها و حالات ناآشنایی از حقیقت مطلق است، تعبیری چون برگی از بهار ازل، ملک الموت آرزوها، درد خواجگی فرسای، اسم اعظم، مایه جنبش زمان و قوت پای آسمان، این توصیفها به واقع بیان ناپذیری عشق را نشان میدهد. به عقیده او تمام آنچه رنگی از هستی دارند تفصیل مجمل عشق هستند که در عالم امکان ظهور پیدا کرده‌اند و عارف چون روشناس کوی ادب شود از عشق چیزی جز عشق نطلبید:

عشق برگی است از بهار ازل	رسته از طرف جویبار ازل ۶۹۲
لیک عشق است اسم اعظم او	اسم اعظم بود مسلم او ۶۸۹
مایه جنبش زمان عشق است	قوت پای آسمان عشق است ۷۱۹
هر چه از دایره وجود بود	که بر او رنگی از نمود بود ۷۶۶
همه تفصیل مجمل عشق است	در مراتب مفصل عشق است ۷۶۷

سنایی نیز در حدیقه با بیان تعبیر متضادی چون آب آتش فروز، بسیار جوی کمیاب یا آنکه علتش نیک و بد نیست، سعی در اثبات تعریف ناپذیری عشق دارد (ر.ک: افقهای شعر و اندیشه سنایی غزنوی، زرقانی، ۱۳۷۸: ۱۲۵):

آب آتش فروز عشق آمد	آتش آب سوز عشق آمد
عشق آشنشان بی آب است	عشق بسیار جوی کم یاب است

(حدیقه ۳۲۷)

## ۳-۶- منع شراب و شرابخواری

منع می و میخواری عنوان یکی از بخشهای نمکدان حقیقت است، در این قسمت شفای به تلویح اشاره دارد به می‌نوشی، اما مدعی است که:

بعد از این نام نقل و می نبرم	حور اگر ساقیم شود نخورم ۱۹۵۳
گر می صاف عشرتی دارد	توبه هم طرفه لذتی دارد ۱۹۵۴

اگر چه در ادامه همین ابیات به چگونه می‌نوشی اشاره دارد و توصیه‌های طبی خود را در این مورد بیان میکنند. ابیات مذکور از طرفی یادآور قصه دیوانه لای خوار زندگی سنایی است (که اتفاقاً مورد توجه شفایی بوده و در ابیات ۶۵۰ تا ۶۶۲ به آن پرداخته) و از طرفی این ابیات حدیقه را در خاطر زنده میکند:

مرد دینی شراب چه کند	بط چینی سراب چه کند
چیست حاصل سوی شراب شدن	اولش شرّ و آخر آب شدن

حدیقه ۳۶۵

## ۴-۶- حکایت پردازی

قصه پردازی و بیان حکایتهای تمثیلی یکی از ویژگیهای حدیقه سنایی است، این موضوع مورد توجه شفایی نیز بوده است، وی با بیش بیست حکایتی که در متن آورده، بر جاذبه اثر خود افزوده

است. این تعداد حکایت اگر چه در مقابل بیش از یکصد حکایت و تمثیل حدیقه (شوریده‌بی در غزنه، فتوحی و محمدخانی، ۱۳۸۴: ۶۳) اندک به نظر میرسد، اما همین تعداد توانسته است از ملال آوری متن بکاهد. موضوع حکایتها متنوعند، برخی مربوط به دین و مذهب هستند و تاریخی، مثل "به آب بستن مضجع شریف امام حسین (ع) توسط متوکل"، و برخی حکایت‌هایی که صحت تاریخی ندارند مثل "رفتن حکیم فردوسی از طوس به دارالاماره محمود".

## ۷- نمکدان حقیقت و ویژگیهای سبکی

الف: سطح فکری:

از جهت فکری آنچه بیشتر در این اثر نمایان است عبارتند از: حمد و ستایش پروردگار، مناجات و راز و نیاز حضرت باری تعالی، منقبت اولیای دین، به ویژه حضرت علی(ع)، طرح مسائل کلامی و فلسفی از قبیل چیستی علم واجب‌الوجود، بیان مراحل سیر و سلوک، بهره‌گیری از اصطلاحات عرفانی و غیره.

### ۱- مناجات

ای تو در جلوگاه یکتایی  
هم تماشا و هم تماشایی ۱۳۲

تا و جود از تو سر بلندی یافت  
نیستی سوی نیستی شناخت ۱۳۳

### ۲- طرح مسائل کلامی و فلسفی

گفت و گوهاسست در میان امم  
بر سر عالم از حدوث و قدم ۱۰۵۰

به براهین عقلی و نقلی  
کرده مقصود خویش عقلی ۱۰۵۱

فلسفی خویش را چو وسوسه کرد  
کار بر اصطلاح فلسفه کرد ۱۰۵۲

آن یکی گفت بر مذاق حکیم  
که عدیم الفناست دهر قدیم ۱۰۵۳

با این همه فلسفه و فلاسفه را از درک حقیقت عاجز میدانند:

تو چه دانی حساب عمر سپهر  
که ز حل پیش زاد یا مه و مهر ۱۰۸۸

داند این‌ها حکیم ایمانی  
نه تصور تراش یونانی ۱۰۹۳

\*\*\*

مانده ابکم زبان استدلال  
معترف شد به عجزش استقلال ۱۳۷

منطقی را نطق به فکر تو لال  
شکش بیش گردد از اشکال ۱۴۰

فلسفی خویش را چه وسوسه کرد  
زاد این ره چراغ فلسفه کرد ۱۰۴۲

و تنها راه کسب معرفت و شناخت واقعی را کشف و شهود می‌داند:

لیکن اهل شهود دیده‌ورند  
میل‌ها ز اهل فکر پیش‌ترند ۲۵۵

رو به دست آر ذوق کشف صریح  
که ز برهان نیا بد این تصحیح ۲۶۱

۳- استشهاد به آیات قرآن کریم

وصف لم یولد و لم یلدی ۶۲  
 خاصهٔ توسست لا شریک لهی ۱۸۲  
 میزند بر دلت این طبل ۴۲۰  
 هم تو مخصوص علم الاسماء ۷۷۰

می کند بر یگانگیش ندی  
 ملک توحید را تو پادشهی  
 سینه قد خلت من قبل  
 هم تو مخصوص لطف کرّما

۴- استشهاد به احادیث نبوی

پس پری سوی این شرف به شعور ۲۲۹  
 کوس تفرید لی مع الهی ۵۱۲  
 مهبط وی سینۀ پاکش ۵۲۴  
 معنی قبل ان تموتوا چیست ۱۰۳۹

گفت احببت تا ز حب ظهور  
 زده در پیشگاه آگاهی  
 گفت ایزد ثنا به لولاکش  
 تا بدانند که سر موترا چیست

۵- کاربرد گستردهٔ اصطلاحات و مفاهیم طبی

آن که چبود دل و دماغ و جگر ۳۹۶  
 آن سه دا ماد بسته اند نکاح ۲۹۷  
 مغز مدهوش راح نفسانی است ۲۹۸  
 که نهد لقمه در گلوی بدن ۳۹۹

از سه عضو رئیس جوی خبر  
 تا بدانی چگونه با ارواح  
 دل هم آغوش روح حیوانی است  
 کبد آن تو شمار مطبخ تن

۶- بهره‌گیری از مفاهیم نجومی

که شقاوت به او کند بازی ۳۸۸  
 که بود مصلحت نصیحت او ۳۸۹  
 که بود مایهٔ دغا و ضرر ۳۹۰  
 طرب‌انگیز دلبر چنگی ۳۹۱  
 نغمهٔ او بر آن نهد مرهم ۳۹۲

قدرتش کرد چون زحل سازی  
 بعد از آن ساخت شاهد خوش‌خو  
 پس از آن جلوه داد نحس دگر  
 ساخت آن‌گه به دست نیرنگی  
 که زند بر دلی چو خنجر غم

۷- مفاخره و خودستایی

روز کوران دشمن خورشید ۱۲۵۹  
 در خبایا خزید چون خفاش ۱۳۶۱  
 در شب غیبتم برون آیند ۱۳۶۲

گفتشان از ثمر تهی چون بید  
 آفتابم چو گشت پرتو باش  
 در حضورم لب سکون خایند

\*\*\*

نشاند خراج ملک سخن ۲۱۶۵

بی‌نیازم که شاه فطرت من

۸- نقد صوفی و صوفی‌گرایی

همگی لوطیان لوت زنند ۱۹۱۵  
 آتش از چرب آن قدر نخورد ۱۹۱۶  
 از تصوف به صوف پوشها ۱۹۲۹



۹- نکوهش هندوستان و علاقه‌مندان به آن دیار

دودمان جهان چو شد موجود  
زهره آن جا زحل مذاق شود  
هر که آنجا پی نیاز آید  
هر که بر یکدگر دو مصرع دوخت  
یا رب آن خطه سرنگون گردد  
۱۰- مذمت علمای رسمی

از شبستان هند چاره نبود ۱۸۲۵  
صبح صادق شب فراق شود ۱۸۳۱  
رو سیه همچو سایه باز آید ۱۸۴۲  
بار کرد و به هند برد و فروخت ۱۸۴۴  
به ازین نیز بازگون گردد ۱۸۴۵

عالم آسا عمامه و جامه  
به دل از علم روزنی بگشای  
به دکان وظیفه در گروهی  
۱۱- نقد شعر و شاعری

باطنت در خریطه خامه ۹۴۲  
گوشه جزو از بغل منمای ۹۴۷  
دل چو گندم برای نیم جوی ۹۵۰

به تخلص و جودشان خرسند  
کاسبان را تخلص از نبود  
ای گزیده ز ناخردمندی  
شعر را مایه معاش کنند  
یک رمه عامیان شعرفروش  
در سر چارسوی بی هنری

این تخلص قطار کرده چند ۱۳۶۶  
حال ایام بازگون نشود ۱۳۶۹  
زاده دیگران به فرزندی ۱۳۷۳  
تا ز دیوار و در تراش کنند ۱۳۹۰  
تبره شاعری فکنده به دوش ۲۰۷۰  
باز کرده دکان یافه‌گری ۲۰۷۳

۱۲- پرهیز از هجو و هجوگویی

شفایی اگر چه خود مثنوی در هجو دارد و در طی حیات پیوسته با هم‌عصران خود مهاجه داشته است، آن‌گونه که اوحدی بلیانی مدعی است «از شمشیر مهاجات او اکثر شعرای عراق و غیره بر خود میلرزند» (عرفات‌العاشقین، ۱۳۸۹: ۲۲۳۹)؛ اما در این مثنوی، گویی از این امر اظهار ندامت کرده و دیگران را نیز از هجو یکدیگر منع میکند:

ای که دادت خدای طبع رسا  
تا توان نیک گفت بد بمگوی  
ما که زین پیش هجو می‌گفتیم  
هجو گفتن بدست و زو بدتر

تا توانی به هجو لب مگشا ۲۱۳۹  
تا ره راست هست کج بمپوی ۲۱۴۰  
گردی از راه فتنه میرفتیم ۲۱۵۱  
خویشتن را زدن بدین خنجر ۲۱۹۷

۱۳- گریز از مدح و شعر ستایشی

شکر مر بخت را که تا بودم  
نیستم شاعر ثنا پیشه

لب به مدح کسی نیالودم ۲۱۶۱  
که مدیح است ننگ اندیشه ۲۱۶۲

شاعری که بود مدیح تراش  
 خاصه رندی که هست تنگ معاش ۲۱۷۴  
 شام را صبح راستین سازد  
 زهر را رشک انگبین سازد ۲۱۷۵

### ب: سطح ادبی

شاعران سبک هندی در پی مضمون‌سازی و شگفتی‌آفرینی توجه چندان به بدیع و بیان نداشتند و صنایع ادبی و هنری به صورت طبیعی در شعر بازتاب می‌یافت (سبک‌شناسی شعر، شمیرسا، ۲۹۸) اما شفای اصفهانی به جهت تتبع در شعر قدما و آشنایی با شعر شاعرانی چون باباغانی، به ویژه در مثنوی نمکدان حقیقت در مضمون‌سازی و خیال‌پردازی از افراط‌کارهای این دوره به دور است و تشبیهات و استعارات وی تحت تأثیر بزرگان شعر فارسی ساده و زیباست.

#### ۱- تشبیه

##### ۱-۱- تشبیه بلیغ اضافی

هر قدم استخوان برهانی ۶۰  
 مرا تازیانه طلب است ۳۱۲  
 در خزان اجل شکفته شود ۹۲۲  
 سر نهاده به پای سوز و گداز ۱۱۱۴  
 که اشتهای دروغ راست کنند ۱۹۲۰

غول ساکت شود ز نادانی  
 لن ترا مهر بر لب او بست  
 زین صبا هر سخن که رفته شود  
 بود او را فتیله عمر دراز  
 آنقدرها نشست و خاست کنند

##### ۱-۲- تشبیه مجمل مرسل

به تو خواهد رسید بی‌تلبیس ۱۶۰۳  
 سرمدیت گلی است سست قدم ۲۹

رزق گاه است و تو چو مغناطیس  
 تشبیه مفصل مؤکد ۱-۳

##### ۱-۳- تشبیه مفصل مؤکد

با وجود تو در ریاض قدم  
 تشبیه مفصل مرسل ۱-۴

##### ۱-۴- تشبیه مفصل مرسل

تیشه رو به خویشتن بودی ۱۶۵۴  
 زیب مجلس چو سیب رنگین است ۲۷۶۷  
 تیره بخت و سیاه‌رو چو مداد ۲۸۸۹

همچو ساغر همه دهن بودی  
 خامشی کیممای تمکین است  
 الحذر زین گروه کبرنژاد

##### ۱-۵- تشبیه مضمّر

هر چه جز عشق هم به عشق بسوخت  
 در سر مرد بادۀ روشن  
 چون برون آمد از صدف گهرش  
 عقل کل کرد ز یب تاج سرش ۳۰۳۴

هر که از عشق علم عشق آموخت  
 در سر مرد بادۀ روشن  
 چون برون آمد از صدف گهرش  
 عقل کل کرد ز یب تاج سرش ۳۰۳۴

## ۲- استعاره

نوبت بلبلان فارس چمن ۶۳۴ (مصرحه مطلقه)	چون درین روضه شد صغیر سخن
دختر بکر مشیمه فکر است ۱۳۷۶ (مصرحه مطلقه)	مولوی مفتخر که این بکر است
شرم بر عارضش حجاب شود ۲۰۰۶ (مصرحه مجرده)	آفتابش چو بی نقاب شود
که خلاص دهد کلاغ از باز ۲۲۷۱ (مصرحه مجرده)	خدعه ای کرد عمر روبه باز
حور یان زلف عیش شانه زدند ۳۰۳۳ (مکنیه)	قدسیان جام شادمانه زدند
بسته محکم به پشت دست اجل ۱۷۳۴ (مکنیه)	کیسه خالی ز نقد علم و عمل
بانگ تکبیر روز میدانش ۵۶۸ (تشخیص)	حلقه کردی به گوش کیوانش
به همان خنده خون او ریزی ۷۷ (تشخیص)	از لب صبح خنده انگیزی
چه بود دیده بر سنان سودن ۲۴۶۵ (تمثیلی)	کار عمان به قطره، فرمودن

## ۳- تلمیح

نسخه برداشته چه بابل ۱۹۹۵	ز آن چه سرنگون به خانه دل
یوسفان را کنند زندانی ۱۹۹۲	در ذقن کنده چاه کنعانی
طاق کسری نهاد سر به زمین ۳۰۴۳	چون سرافراخت قصر حق یقین
خفت آسوده بر فراش رسول ۵۹۹	در شب غار ثور زوج بتول
سجده ناکرده رفت مهر فرو ۶۰۴	بد مصطفاش بر زانو
رد خورشید یک دو نوبت کرد ۶۰۵	دعوتش را کریم اجابت کرد

## ۴- کاربرد امثال

حنظل از سعی انگبین نشود ۳۲۴	چشم خود بین خدای بین نشود
کله ماست در میان قاضی ۲۱۳۷	گر تو هم سر به سر شوی راضی
میوه سایه پخته خام بود ۱۸۱۰	هنر هند ناتمام بود

۵- حرف‌گرایی

خود طمع که آفت ست انجامش  
طا که بر فرق او چو تاج سر است  
مبم کش پا و سر همه گره است  
عین بین کز کمال طماعی  
تا نمائی چو صاد دیده تهی

از سه حرف بدست اتمامش ۱۴۲۶  
شیشه ره به خویش خشک و تراست ۱۴۲۸  
رشته در پیچ و تاب غوطه ده است ۱۴۳۰  
باز کرده دهان بلاعی ۱۴۳۲  
چشم بر دست دیگران چه نهی ۱۴۳۴

۶- کاربرد کنایات

چون ازو نیست شاه دین خشنود  
گر شناسی خدای را رزاق  
دهر را رونق جوانی نیست

هیچ از دانشش فقع نگشود ۲۳۶۹  
ابلهی گر ز غم نگردی طاق ۱۶۰۲  
آب در جوی زندگانی نیست ۹۸۰

۷- ایهام تناسب

خاک گردی و آب تو برود  
هست سلطان چو شاه دیداری

لذت از خورد و خواب تو برود ۱۳۴۳  
خلق در سایه اش سبک‌باری ۱۱۹۹

۸- پارادوکس

مغز را عقل و دیده را نوری  
همچنین نور تیره‌ی معنی  
گفت قانع شد از فسانه او

در حجاب ظهور مستوری ۶۸  
چون فتد بر دل خفی و جلی ۲۴۰  
بی‌نشانه بود نشانه او ۲۷۷

ج: سطح زبانی

۱- سطح آوایی

شفایی این اثر خود را در استقبال از حدیقه الحقیقه سنایی و بر همان وزن و بحر سروده، لذا نمکدان حقیقت در بحر خفیف مسدس مخبون محذوف (فاعلاتن، مفاعلن، فعلمن) است.

۱-۱- قافیه هنری

تیر بارد چنان ز اجل  
نتوان راه بزم حاتم طی

که اجل هم فتد به دست اجل ۱۰۱۹  
از پی هم دوبار کردن طی ۱۹۸۸

۱-۲- عیوب قافیه

برخی از عیوب قافیه به میزان کم در این مثنوی دیده می‌شود:

اقوا:

ذات او با وجود متحد است  
در کمالات خویش مستند است ۲۵۰

شایگان:

- زور بازوی آسمان کند است  
قافیه ساختن مصوت‌ای/  
طرفه تر کین خصال نامرضی  
عدم یکسانی حروف روی  
آن چه دادند ازل، نداده ظهور  
ردیف به جای قافیه
- که ثنا یای فرقدان کند است ۹۸۱  
در عبادات هم بود مرعی ۱۷۷۹  
از چهل سالگیش یافت بروز ۳۰۹۱  
نخوری زینهار خون نخوری ۱۹۵۸  
آب روی بهار مدح افشانند ۲۲۳۷
- ۱-۳- جناس  
مطالعی زشت گفت بهرام گور  
چشم یاری مدامش از یاری  
برگ هستی چنان شود بی برگ  
خلق در کار هم شفیق شدند  
باز گفت آن زهر عظیم اعظم  
صوفی صفة برون جامی
- ۱-۴- واج‌آرایی  
دل و دین داریت به در آرد ۱۹۵۵  
دست بالای دست بسیار است ۳۰۱۷  
بادۀ سرخ روی زرد آرد  
ز آن که بالا و پست بسیار است
- ۱-۵- تضاد  
تا ره راست هست کج به مپوی ۲۱۴۰  
کاسۀ زهر در کف غسل است ۲۵۳۵  
تا توان نیک گفت بد به مگوی  
شهد زیبا شرنگ در بغل است
- ۲- سطح لغوی  
شفایی اگر چه در فصاحت و بلاغت سرآمد شاعران زمان خود بوده است، اما از به کار بردن برخی کلمات و ترکیبات نامأنوس و دور از ذهن ابایی نداشته و زبان عامیانه را در آثار او میتوان دید.
- ۲-۱- استفاده از کلمات کهن  
به تفکر چو شد مناظره سنج  
مژه بر جفن از آن سیاه کند  
در دهان جمع گشته بود خيوش  
طافح از بادۀ طرب جام است
- ۲-۲- کاربرد واژه‌های نامأنوس طبی  
کانبش از معده می‌کند کیلوس  
گر بپرسد کسی که ترقوه چیست
- یافت کز نیش ساد جست این رنج ۱۸۹۸  
که سفیدی نظر تباه کند ۴۱۲  
بی تأمل درو فکنده بردش ۲۰۵۷  
عیدی روزگار ایام است ۱۱۸۹  
کانضاج سازدش کی موس ۴۰۰  
چه بود هایه قمدوه چیست ۷۵۷

- مقله کندی ز دیدگان خورشید  
 ۲-۳- بهره‌گیری از کلمات و ترکیبات عامیانه  
 خرد آن جا که پشت سر خارد  
 خواجه خود همچو کودکان دبه کرد  
 آن که تیزد به ریش او نفرین  
 مرده شو برده‌ای که خود گویند  
 ۲-۴- آفرینش ترکیبات تازه  
 یک رمه عامیان شعرفروش  
 قاب گرگی بس است از زندان  
 کودکانش ز شفق پدري  
 از خیال تو صومعه جگرم  
 ۲-۵- بهره‌جستن از تخفیف‌های کم کاربرد  
 این همه شینی و قیام کنی  
 بس که از گرس گشته بود ضعیف  
 ۲-۶- استفاده از صورت ممال کلمات  
 غدی از مغز معرفت کردی
- که بدوزد به رقعه آن خورشید ۵۶۳  
 کی زبان دست بر ثنا دارد ۴۱  
 بدر امید ماه یک شبه کرد ۲۲۲۷  
 میرود پیش پیش او نفرین ۲۲۸۴  
 معنی آن ز دیگران جویند ۲۴۳۱  
 توبره شاعری فکنده به دوش ۲۰۷۰  
 وز بزرگان کم است هر دو جهان ۲۳۲۵  
 نو نیاز دکان عشق گری ۷۲۹  
 کعبه زاریست پای تا به سرم ۱۲۸  
 تا مریدی دو جنس وام کنی ۱۶۷۹  
 ناتوان خواندیش غبار ضعیف ۱۶۵۷  
 روزی از سفره غنا کردی ۵۸۵

### ۳- سطح دستوری

ویژگی خاص دستوری در این اثر مشاهده نشد.

### نتیجه

منظومه نمکدان حقیقت اثر عرفانی اخلاقی است که در قرن دهم هجری به تقلید از حدیقه‌الحقیقه سنایی سروده شده است، محتوای کلی این مثنوی عمدتاً پیرامون موضوعات کلامی و فلسفی است و شاعر اندیشه‌ها و افکار خود را در قالب حکایتهای متعدد بیان داشته است، اطلاعات طبی و نجومی، خودستایی و انتقاد از هندوستان و صوفیگری جزو مواردی است که شاعر به آنها توجه داشته است. با مقایسه دو اثر شباهتهای زیادی بین آنها مشاهده میشود، اما اختلافها متوجه مذهب دو گانه این دو شاعر است. شفایی جز مواردی که متوجه مذهب اوست، همسو و همفکر با سنایی است و آنچه به عنوان تفاوت عمده مشاهده میشود، یک اختلاف در چپستی کلام الهی و دیگری جایگاه امام علی (ع) در منظومه فکری شفایی است.

در سطح ادبی انواع تشبیه به خصوص تشبیه اضافی از بسامد بیشتری برخوردار است، همچنین بسامد تلمیحات و کنایات و امثال نیز زیاد است.

در سطح آوایی قافیه‌های هنری شفایی قابل توجه است، کاربرد گسترده جناس و واج‌آرایی نیز از دیگر مواردی است که میتوان به آن اشاره کرد.

در سطح لغوی کلمات عامیانه و اصطلاحات طبی و واژه‌های کهن به کار رفته در این اثر قابل توجه است.

## منابع

- ۱- افقهای شعر و اندیشه سنایی غزنوی، زرقانی، سید مهدی، (۱۳۷۸)، چاپ اول، تهران: روزگار.
- ۲- تذکره‌القبور، مهدوی، عبدالکریم، (۱۳۲۸)، چاپ دوم، اصفهان: کتابفروشی ثقفی.
- ۳- تذکره ریاض‌الشعرا، واله داغستانی، علی، (۱۳۸۴)، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۴- تذکره ریاض‌العارفین، هدایت، رضاقلی، (۱۳۸۵)، تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتی اشیدری، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۵- تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، اوحدی بلیانی، تقی‌الدین، (۱۳۸۹)، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار و آمنه فخراحمد، چاپ اول، ۸ جلدی، تهران: میراث مکتوب و مجلس.
- ۶- دیوان صائب، صائب، محمدعلی، (۱۳۷۱)، تصحیح محمد قهرمان، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۷- زندگانی شاه عباس اول، فلسفی، نصرالله، (۱۳۵۳)، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، چاپ ششم، تهران: فردوسی.
- ۹- شوریده‌یی در غزنه، فتوحی، محمود، محمدخانی، علی اصغر، (۱۳۸۵) چاپ اول، تهران سخن.
- ۱۰- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد، (۱۳۵۱)، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- ۱۱- نمکدان حقیقت، شفایی اصفهانی، شرف‌الدین حسن، نسخه خطی به شماره (۳۶۱۳)، کتابخانه ملی تبریز.

## مقاله:

- ۱- «جایگاه شفایی در سبک هندی»، شفیع‌یون، سعید، (۱۳۸۸)، پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۱۱.
- ۲- «نقد دیوان حکیم شفایی اصفهانی»، ذکاوتی قراگزلو، علی‌رضا، (۱۳۸۵)، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۰.